

چالش‌های پژوهشی کشور و تاثیر آن بر مهاجرت نخبگان



سعید هداوند

hadavand53@yahoo.com

چکیده

پژوهشگران به عنوان عضوی از جامعه نخبگان علمی کشور، نقش مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی، پر کردن شکاف عمیق تکنولوژیکی، کاهش نقش مزیت نسبی طبیعی و افزایش نقش مزیت نسبی اکتسابی ایفا می‌کنند. اغلب کشورهای پیشرفته، مدیریت و بهره‌برداری از یافته‌های تحقیقاتی را به عنوان عامل اصلی توسعه یافتگی مطرح می‌کنند و برنامه‌های متنوعی را برای ارتقای سطح کمی و کیفی پژوهش‌ها و نگهداشت محققان برجسته خویش، تدارک می‌بینند. اکنون سؤال این است که نظام تحقیقاتی ایران در این ارتباط چه رویکردی اتخاذ می‌کند؟ شرایط و ویژگیهای پژوهش در این نظام چیست؟ پژوهشگران از چه جایگاهی برخوردارند؟ به کدام مهارت‌ها یا امکانات نیاز دارند؟ و برای تأمین آن، چه طرح و نقشه‌ای اندیشیده شده است؟

نگارنده می‌کوشد تا با پرداختن به سؤالات یاد شده، آن دسته از عوامل اثرگذار که حوزه علم و پژوهش را متأثر از خود ساخته‌اند، مورد بررسی تفصیلی قرار دهد و اثرات آنها را در ماندگاری یا مهاجرت نخبگان تبیین کند.

اغلب کشورهای توسعه یافته، بهره‌برداری از مدیریت، خلاقیت، ابتکار و استعداد نیروی انسانی را به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه یافتگی مطرح کرده‌اند و به همین دلیل برنامه‌های متنوعی را برای پرورش و نگهداشت نیروی انسانی متخصص خود، پیش‌بینی و اجرا می‌کنند. اینگونه کشورها بخش عمده‌ای از هزینه‌های اجتماعی را در قالب بودجه‌های عمومی و سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، صرف آموزش و توسعه نیروی انسانی می‌کنند و در کنار آن با ایجاد رفاه و امنیت اجتماعی - اقتصادی، شرایط را برای جذب نیروی انسانی متخصص دیگر کشورها فراهم می‌آورند.

در نقطه مقابل و در جوامع در حال توسعه، پرورش و نگهداشت نیروی انسانی متخصص با مشکلات جدی روبروست و روند مهاجرت نخبگان، متخصصان، کارشناسان (و حتی کارگران ماهر و نیمه‌ماهر) به سوی کشورهای توسعه یافته، شتاب زیادی دارد. استارک، دلیل این امر را مشکلات اقتصادی بر می‌شمرد و معتقد است کشوری را باید توسعه نیافته قلمداد کرد که مقدار سرمایه انسانی حفظ شده در آن کمتر از خسارت ناشی از مهاجرت باشد (Stark, 2002). استفان کستلز و شان لون در مطالعه‌ای با عنوان «روند مهاجرت نخبگان به کشورهای صنعتی»، عواملی چون وضع نامناسب شاخص‌های توسعه انسانی، امید به زندگی پایین، رشد زیاد جمعیت و نرخ بی‌سوادی بالا را در شکل‌گیری پدیده مهاجرت نخبگان مؤثر می‌دانند (شاه‌آبادی، ۱۳۸۵). هنریک اولسن، نیز معتقد است که عواملی چون شرایط مبدأ و مقصد مهاجرت، ناکافی بودن فرصت‌های شغلی، تبعیض، برخورد نامناسب اجتماعی، نبود رفاه اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً مسائل شخصی، محرک اصلی نخبگان برای مهاجرت به کشورهای توسعه یافته هستند (Olsen, 2002).

در حالی که محققان یادشده، عمدتاً بر مسائل و حوزه‌های اجتماعی تمرکز کرده‌اند، صاحب‌نظران مدیریتی از متغیرهای تبیینی نظیر شرایط سیاسی و فرهنگی، ضعف مدیریت مؤسسات علمی

و پژوهشی، ناکارآمد بودن سیستم اطلاع‌رسانی و تبادل علمی، محدودیت اعتبارات تحقیقاتی، عدم مشارکت بخش خصوصی در پژوهش، ساختار نامناسب تحقیقاتی دانشگاهها و مؤسسات علمی و پژوهشی، بوروکراسی سازمانهای دولتی و نبود فضای جذاب برای انجام کار علمی، به عنوان دلایل تاثیر گذار در پیدایی مهاجرت نخبگان یاد می‌کنند (هداوند، ۱۳۸۳).

از میان عوامل متعدد برشمرده، آنچه که در این مقاله مورد بحث واقع خواهد شد، عمدتاً بر حوزه پژوهش متمرکز است و سعی می‌شود تا از این منظر، دلایل خروج نخبگان از کشور مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، مفهوم شناسی مهاجرت نخبگان در بخش اول مقاله تبیین خواهد شد. در بخش دوم، موضوع پژوهش و پژوهش محوری مورد بحث قرار می‌گیرد و از این منظر، دلایل گرایش نخبگان علمی به خارج از کشور بررسی خواهد شد. در ادامه، راهکارهای مواجهه با این نوع مهاجرت، مورد کنکاش قرار می‌گیرد و پیشنهادهایی نیز برای مدیریت بهتر نخبگان ارائه خواهد شد. در انتها نیز جمع‌بندی مباحث طرح شده آورده خواهد شد.

مفهوم شناسی

وجود و کثرت صاحبان فکر و اندیشه، در هر کشوری ضمن تعیین سهم آن جامعه در میزان تولید دانش فراملی، به عنوان بستری مناسب برای تعیین سطح توسعه پایدار ملی نیز خواهد بود. تجربه کشورهای صنعتی در توسعه یافتگی حاکی از آن است که نیروی انسانی متخصص و خلاق در فرایند توسعه پایدار، نقش اساسی دارد و ابزارهای دیگر، نظیر انرژی و سرمایه، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. در این مسیر، دانش آموزی و دانش‌اندوزی، به مثابه یک ضرورت اجتماعی (نه یک فضیلت یا ارزش فردی) مورد توجه قرار می‌گیرد و الزامات و اقتضائاتی نظیر ضرورت و تشکیلات پژوهشی، روابط، شبکه ارتباطی و تعاملات رفتاری خاص خود را نیز به همراه می‌آورد. این در حالی است که در ایران، نهادهای علمی به موازات نهادهای فرهنگی رشد نیافته‌اند

و گسترش آنها حاصل برخی سیاست‌ها و برنامه‌های خام و سطحی بوده است که همین امر، ضعف ارتباطات محیطی این نهادها با یکدیگر و سایر بخشها و ناپایداری هویت مستقل نهادهای علمی را در کشور باعث شده است. دامنه این ضعف که ناشی از فقدان استراتژی و منسجم نبودن سیاست‌های کلان علمی کشور است، به ادبیات موضوع نیز کشیده شده و مفاهیم مهمی چون پژوهش، پژوهش محوری، نخبه، نخبه‌پروری و مهاجرت که مبنای برنامه‌ریزی برای توسعه علمی کشور هستند، دچار آشفتگی شده‌اند و به انحای مختلف تعریف و تفسیر می‌شوند. حاصل این نوع نگرش، سردرگمی برنامه‌ریزان و تقویت میل مهاجرت در پژوهشگران خواهد بود و صدمات جبران‌ناپذیری را متوجه کشور می‌کند.

مهاجرت

جا به جایی مکانی و اقامت درجایی غیر از موطن اصلی فرد مهاجرت‌کننده را مهاجرت تعریف می‌کنند (وحیدی، ۱۳۶۴). مهاجرت، زمانی یک مسئله اجتماعی تلقی می‌شود که میزان آن از داخل به خارج در مدت یک سال بیش از میزان مهاجرت از خارج به داخل باشد (Olsen, 2002)، البته در این میان می‌بایست میان مهاجرت نیروی کار و مهاجرت نخبگان تفاوت قائل شد.

نخبه

در تعریف نخبه (Elite)، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در این مقاله، فردی که دارای هوش ذاتی، دید سیستماتیک، فکر عمیق و فعالیت مستمر، هدفمند و مؤثر در زمینه‌های علمی و پژوهشی باشد، نخبه تعریف می‌شود.

مهاجرت نخبگان

به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در آن اندیشمندان یک کشور به دلایل مختلف، ترک دیار می‌کنند تا در امنیت بیشتر مطالعات خود را ادامه دهند (Stark, 2002). تهمورث شیرینی، این نوع مهاجرت را به حرکتی تعبیر می‌کند که طی آن نخبگان و فرهیختگان جامعه، صرف نظر از جنبه‌های اقتصادی، ترک وطن می‌کنند (نوربخش،

امروزه پژوهش را یک امر فردی و شخصی نمی دانند، بلکه پدیده‌ای جمعی و واقعیتی اجتماعی است که در فرایند آن، اجزا و عناصر عدیده‌ای نظیر موضوع، متولی، مجری، مدیر پژوهش، پژوهشگر، بودجه و امکانات، نهادها و تشکیلات پژوهشی در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و نظام تحقیقاتی کشور را به وجود می‌آورند. در جوامع در حال توسعه که اغلب در حال گذر به سر می‌برند، موضوع پژوهش با مسائل و موانع عدیده‌ای روبروست. نهادهای علمی از جایگاه و نقش تعیین کننده‌ای برخوردار نیستند. مسائلی چون وابستگی به بخش دولتی و ضعف بخش خصوصی در انجام پژوهش‌های مستقل موجب شده است که با سستی در تولید اندیشه و فرهنگ‌سازی روبرو باشیم. یکی از بهترین شاخص‌ها برای ارزیابی این مدعا آن است که بدانیم تا چه میزان تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و برخورد با مسائل و موانع توسعه براساس راهکارهای مبتنی بر تحقیقات علمی صورت می‌پذیرد که این خود تا حدی محصول وجود اعتقاد و احساس نیاز به پژوهش، تقاضای بخشهای تصمیم‌گیری، وجود محققان برجسته و اعتبارات و امکانات پژوهشی مناسب است. لازمه این کار، برقراری محیط فکری باز و سازماندهی فرایند تولید افکار است. تشویق نخبگان به ابراز ایده‌ها و ابتکارات نو، آموزش صحیح به آنها، تاسیس انجمن‌ها و کانون‌های سازنده نظریه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، حمایت از سمینارها و کنگره‌های تخصصی در کشور، حمایت از پژوهشها در سطح دانشگاه‌ها و تشکیل گروه‌های فکری مختلف از جمله راهکارهایی است که در این زمینه مطرح هستند.

ضعف پژوهش؛ میل به مهاجرت

پژوهش و پژوهشگر، دو رکن مهم توسعه علمی و اقتصادی هر کشوری محسوب می‌شوند. اتصال زنجیروار برنامه‌های علمی و اقتصادی به یافته‌های پژوهشی می‌تواند نتایج مثبتی در پیشرفت همه جانبه کشور ایجاد کند و

به این ترتیب مهاجرت نخبگان را می‌توان شامل فرایندی دانست که نخبگان یک کشور به دلیل محدودیت‌های علمی، اقتصادی، فناوری، سیاسی یا کمبود امکانات پژوهشی، رفاهی و نیز ناتوانی جامعه در استفاده از تخصص و توان اطلاعاتی آنها، برای کسب تجربه، پیشرفت علمی، منزلت اجتماعی، رفاه اقتصادی و دسترسی به منابع علمی جدید و متنوع، به سوی جوامعی کوچ می‌کنند که به زعم آنها از شرایط مطلوب‌تری برخوردارند.

برای درک صحیح این موضوع توجه به دو نکته ضروری است. اول اینکه میان مهاجرت نیروی کار و مهاجرت نیروی متخصص، تفاوت وجود دارد و دوم اینکه مهاجرت نخبگان زمانی به عنوان یک پدیده منفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که در داخل به وجود آنان نیاز مبرم باشد، ولی مهاجرت، موجب قطع ارتباط شغلی و عملی آنها شود.

مدیریت نخبگان

مدیریت نخبگان، شامل هدایت و راهبری مجموعه‌ای از طرح‌هاست که به استفاده مؤثر از نخبگان در تحقق اهداف علمی و پژوهشی کشور، جهت دستیابی به مزیت‌های رقابتی منجر می‌شود (Mackey, 1969). پروفیسور «عبدالسلام» فیزیکدان برجسته مسلمان و برنده جایزه نوبل فیزیک، پنج پیش شرط برای مدیریت صحیح نخبگان بر می‌شمرد (محسنی، ۱۳۸۰):

۱. تعهد و اعتقاد واقعی مسئولان به علم و پژوهش؛
 ۲. وجود ثبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛
 ۳. ایجاد تعهد خوداتکایی در تکنولوژی؛
 ۴. طرح ریزی نظام مناسب مدیریت علمی؛
 ۵. توجه و تمرکز صاحبان فناوری در زمینه توسعه علم و تکنولوژی.
- باتوجه به مطالب گفته شده، می‌توان چهار عامل مشخص را در این فرایند، واجد نقش محوری دانست:
۱. ایجاد فضای تحقیقاتی سازمان یافته و پیشرفته؛

ایجاد نشدن باور پژوهشی بین مسئولان، یکی از چالشهای بزرگ تحقیقات در کشور است

۲. امید به محیط مطلوب و رضایت‌بخش کار و زندگی؛
۳. اعتقاد و استفاده از مهارت‌های موجود در کشورهای مبدأ؛
۴. ایجاد شرایط مطلوب زندگی در کشورهای مبدأ.

پژوهش مبنای توسعه یافتگی

پژوهش، کنشی عقلانی و فرایندی خردمندانه و منظم است که به بازنگری، نقد و پالایش یا تولید و خلق اندیشه منجر می‌شود. این فرایند معمولاً با سؤال یا سؤالاتی آغاز می‌شود و با پاسخ یا پاسخ‌هایی نسبتاً قانع کننده به فرجام می‌رسد. در فرایند چنین حرکتی است که تولید، تبادل و ذخیره اطلاعات یعنی توسعه و تکامل علمی و به موازات آن توسعه جامعه، تحقق می‌پذیرد، به طوری که می‌توان گفت که پژوهش یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه هر جامعه به شمار می‌رود. به همین جهت، بین کم و کیف عملکرد و درجه پیشرفت پژوهش در هر جامعه و سطح توسعه و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر آن جامعه، پیوستگی وجود

آن را به سمت پویایی، سوق دهد. از این منظر، می‌توان پژوهشگر را در نقش تولید کننده و جامعه را به مثابه مصرف کننده خدماتی متصور شد که محور مبادلات آنان، اندیشه و دانش است. با این رویکرد، این سوال طرح می‌شود که آیا جامعه و نظام تحقیقاتی آن، این نقش را به خوبی ایفا می‌کنند؟ پاسخ این پرسش قطعاً مثبت نیست، چرا که اگر از نظام تحقیقاتی سؤال شود که نیازهای محققان کدام است، برای رفع آن چه طرح و نقشه ای دارد، و اصولاً محققان برجسته و ممتاز در کجا مشغول به کار هستند، به چه کاری مشغول‌اند، به کدام مهارت‌ها یا امکانات نیاز دارند، پاسخ روشن و مناسبی وجود ندارد. در طرف دیگر نیز به دلیل اینکه فضا سازی لازم برای شناخت و بهره برداری از پتانسیل علمی و تحقیقاتی محققان انجام نشده است، جامعه عموماً توانمندی های پژوهشگران را نمی‌شناسد و سازوکار مناسبی برای برقراری ارتباط با آنان در اختیار ندارد. آنچه که در ادامه خواهد آمد بررسی اجمالی مهمترین چالش‌هایی است که به زعم مؤلف در گرایش پژوهشگران برجسته به خارج از کشور مؤثر بوده و هستند و به تشدید روند مهاجرت نخبگان کمک کرده اند.

چالش‌های اثرگذار در گرایش پژوهشگران به خارج ۱. ضعف فرهنگ پژوهش

پژوهش، معنای ذهنی متفاوتی را در مسئولان، محققان، نخبگان و عامه مردم ایجاد می‌کند. این معنای متفاوت، مبنای موضع گیری در مواجهه با موضوع، تعیین انتظارات حاصل از آن و نیز میزان تأکید و حمایت از تحقیقات را مشخص می‌کند. آنچه که موجب نگرانی است آن است که معنای ذهنی از پژوهش نزد تصمیم گیران، در مواردی متعارض است و همین می‌تواند به بی‌برنامگی در گسترش فرهنگ پژوهش محوری منجر شود. تقید مسئولان به بهره گیری از پژوهش برای مسئله‌یابی و حل مسئله، به کارگیری چارچوب علمی در تحقیقات توسط محققان و رعایت کامل اخلاق علمی توسط عوامل ذی‌ربط، کارکرد پژوهش را به گونه ای سامان خواهد داد که جامعه در کوتاه مدت اثرات

پژوهش و پژوهشگر و به دنبال آن ابهام در فرایند منطقی حل مسئله باعث دخالت تعصب و پیش‌داوری افراد و گروه‌های تصمیم‌گیرنده خواهد شد. معیارهای تعریف پژوهشگر، می‌بایست از پیش فرض های خاصی تبعیت کنند و با رعایت اصول علمی تدوین شوند. فقدان یا ضعف در ارائه تعریف یا به کارگیری صحیح این پیش فرض ها به ابهام در شناسایی مفهوم پژوهش و پژوهشگری می‌انجامد و توزیع ناعادلانه امکانات، ایجاد رابطه معنادار بین قدرت سازمانی و سیاسی با انجام پژوهش، ضعف در نظارت، عدم تعیین اولویت‌ها و عدم تطبیق تخصص و مهارت محقق با موضوعات پژوهشی را به دنبال خواهد آورد. تا زمانی که دیدگاهی علمی بر ماهیت معنایی و عملیاتی پژوهش پژوهشگران وجود نداشته باشد، اغلب موضوعات، صرفاً براساس میزان علاقه‌مندی و یا تعهد فرد محقق مورد بررسی قرار می‌گیرند که به احتمال زیاد با واقعیت فاصله دارد. ابهام در تعریف شفاف از مفاهیم کلیدی، موجب خواهد شد تا همچنان مسئولان حوزه علم و پژوهش، بدون توجیه منطقی و علمی از وضع موجود دفاع و ناخواسته روند مهاجرت نخبگان به خارج از کشور را تشدید کنند.

۳. نا مشخص بودن نیازها و اولویتها
علت شکل‌گیری این معضل به مشخص نبودن متولی تحقیقات در کشور باز می‌گردد. این مسئله موجب شده است که سازمان‌ها و مؤسسات مختلف در این عرصه خود را بی‌زمینند. انتخاب موضوعاتی که مبنای نیاز و اولویت بندی آنها مشخص نیست و یا اینکه از شفافیت لازم برخوردار نیستند، از مهم‌ترین دغدغه‌های حوزه پژوهش در کشور است. اغلب پژوهش‌هایی که به این صورت انجام می‌شوند، دارای اشکالاتی هستند: الف) انتخاب کارهای اجرایی روزمره به عنوان اولویت پژوهشی؛ ب) تأکید بر انجام سریع تحقیقاتی که نیاز به بررسی مقدماتی دارند؛ ج) انتخاب موضوعات بدیهی که نتایج مشخص و روشن دارند؛ د) استقبال از موضوعاتی که با متغیرهای

شایع‌ترین مشکل نظام تحقیقاتی کشور آن است که متولی تحقیقات به درستی مشخص نیست

و نتایج آن را در فرایندهای جاری خود حس خواهد کرد. ایجاد نشدن باور پژوهشی بین مسئولان، یکی از چالش‌های بزرگ پیش‌روی تحقیقات در کشور است. اعتقاد تصمیم‌گیرندگان و مدیران عالی به ضرورت پژوهش و به کارگیری نتیجه تحقیقات در برنامه‌ها، گام بلندی در توسعه کشور محسوب می‌شود (هداوند، ۱۳۸۳). برای تعیین میزان توجه و اقبال جامعه به فرهنگ پژوهش، استفاده از معیارهایی همچون تعداد کتابخانه‌ها، مقالات علمی چاپ شده در نشریات معتبر داخلی و خارجی، نشریات علمی ادواری، تحقیقات معتبر دانشجویی، عضویت استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در نشریات معتبر بین‌المللی، جایزه‌های اعطایی به نخبگان کشور، نشان‌های افتخار در المپیادهای علمی، نهادها و مؤسسات تحقیقاتی در کشور، ناشران علمی، ابداعات و اختراعات به ثبت رسیده و نیز میزان بودجه تحقیقاتی، کمک مؤثری خواهد کرد.

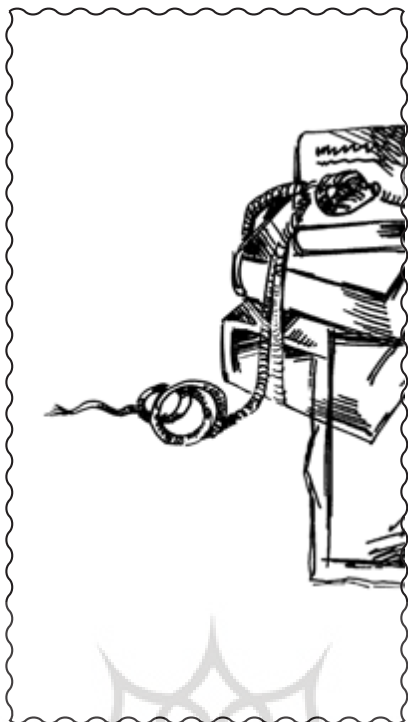
۲. ابهام در تعریف پژوهشگر
نبود تعریف مشخص از مفهوم

فاقد تعریف عملیاتی مشخص طرح می‌شوند؛
(و) فقدان عمق تحقیقات از نظر واریسی روابط متغیرها.

وجود اشکالات برشمرده به همراه ضعف اولویت بخشی به نیازها و ایجاد بستر مناسب برای تحقیقات، چندگانگی مراکز تصمیم گیرنده، شکافهای نگرشی و ارتباطی میان این مراکز و مهمتر از همه بی اعتمادی بیشتر مدیران میانی کشور نسبت به نقش تحقیقات در تقویت بنیانهای اقتصادی و اجتماعی، از جمله عواملی هستند که ضعف و ناکارآمدی نظام پژوهشی را در بلندمدت موجب شده‌اند و زمینه مناسبی را برای افزایش میل به مهاجرت در پژوهشگران فراهم می‌آورند.

۴. ناپوستگی اهداف و برنامه‌ها

چنانکه در بند پیشین اشاره شد، شایع‌ترین مشکل نظام تحقیقاتی کشور، آن است که متولی تحقیقات به درستی مشخص نیست. در حالی که گفته می‌شود مسئول تحقیقات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، مؤسسات اجرایی اعتقاد دارند که دانشگاه‌ها نمی‌توانند نیازهای آنها را مرتفع سازند و از این رو، خود اقدام به تأسیس مراکز تحقیقاتی می‌کنند و سعی در رفع نیازهای پژوهشی خود دارند. علاوه بر این، با وجود نیاز مبرم و تأکید مسئولان ذی ربط، نقشه نظام مهندسی علمی و تحقیقاتی کشور ترسیم نشده است و استراتژی مدونی بین نهادهای اجرایی و دانشگاه‌ها برای طراحی و تبیین آن وجود ندارد. در این بین، همگرایی نظام آموزش عالی و سایر نهادهای ذی‌ربط در طرح ریزی، تدوین و اجرای استراتژی برای شناسایی، پرورش و نگهداشت نخبگان ضروری می‌نماید، اما ضعف در سیاستگذاری و برنامه ریزی اجرایی موجب می‌شود که خیل عظیم دانش آموختگان ممتاز، فرصت جذب در بازار کار داخلی را از دست بدهند و با بالارفتن مدت زمان بیکاری، به مهاجرت بیندیشند. وجود این دلایل موجب خواهد شد تا اکثر پژوهشها مطابق با استراتژی از پیش تعیین شده - به نحوی که تمام مراحل تحقیقات،



تجهیزات مورد نیاز، تعریف پروژه‌های تحقیقاتی با توجه به امکانات موجود و نه نیازهای شناسایی شده، جهت گیری منابع و امکانات به انجام تحقیقات نظری و کوتاه مدت، توزیع نامناسب بودجه و فقدان دستورالعمل و روش کاری مشخص برای بهره برداری از امکانات، موجب شده است که نخبگان بیش از گذشته به مهاجرت بیندیشند.

۶. عدم جذابیت محیط

سیستم اداری حاکم بر مراکز پژوهشی کشور، از ویژگی‌های یک نظام پویا برخوردار نیست. تصویب و اجرای آئین‌نامه‌ها و مقررات انعطاف ناپذیر، عهده‌داری صرفاً وظیفه نظارت و نه هدایت مراکز پژوهشی از سوی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط، حاکم بودن رابطه به جای ضابطه و ضعف در تصویب قوانین و مقررات از جمله عوامل مؤثر در عدم جذابیت کار در مراکز پژوهشی هستند. از طرف دیگر ناسازگاری فرهنگی بین عناصر مختلف علمی در مراکز تحقیقاتی و تغییر مکرر مدیران پژوهشی که موجب حاکمیت سلیقه‌های متعدد می‌شود، مانع از آزادی فکری و تثبیت فرهنگ پژوهش محوری می‌شود. حذف بوروکراسی پیچیده کنونی، رفع مشکلات معیشتی محققان، امکان ارائه تحقیقات برتر در خارج از کشور، فراهم ساختن امکان انتشار کار تحقیقاتی، ایجاد روش‌های ساده تر برای تصویب طرحها، فراهم کردن امکان ادامه تحصیل در مقاطع عالی، از جمله اقدامات اساسی است که می‌تواند ضمن جذاب تر کردن محیط، به ماندگاری نخبگان نیز بینجامد (هداوند ۱۳۸۳).

۷. غالب بودن پژوهش‌های توجیه‌گر

ضعف مسئله‌یابی، تکراری بودن، فقدان ژرف نگری، عدم استفاده از مبانی نظری مناسب، عدم تعیین اولویت‌ها، فقر پیشینه و روش‌شناسی، کمبود ابزار و آزمون‌های لازم جهت انجام طرح‌های پژوهشی از جمله عواملی هستند که در افت کیفیت طرح‌ها و ضعف در کاربرد نتایج آن دخالت دارند. عدم اولویت بخشی و مرتبط نبودن

از طراحی و تولید گرفته تا تجاری‌سازی را شامل شود - پیش‌نبرد و روند تحقیقات متناسب با شرایط مختلف تغییر کند. این دوگانگی که ناشی از نامشخص بودن سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان علمی است، حاصلی جز تضعیف ساختار علمی و تقویت انگیزه خروج از کشور در نخبگان به دنبال نخواهد آورد.

۵. نامناسب بودن امکانات پژوهشی

از دیگر محدودیت‌های حوزه پژوهش، می‌توان به فقدان یا محدودیت در بهره‌برداری از تجهیزات و امکانات مورد نیاز اشاره کرد. وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر در بهره‌برداری از حداقل امکانات، موجب شده تا بخش وسیعی از اوقات محققان، به حل مسائل روزمره تخصیص یابد و به همین دلیل اغلب آنان ترجیح می‌دهند تا تحقیقات خود را بیشتر مبتنی بر تئوری و نظریه پردازی کنند یا اینکه آن را در مقیاس بسیار کوچک‌تری انجام دهند که در این صورت، نتایج آن احتمالاً ارزش علمی بالایی نخواهد داشت و کمتر قابلیت تعمیم دارد. همچنین وجود محدودیت‌های مالی در برآورد امکانات و

موضوعات پژوهشی با نیازهای کشور، موجب شده است تا کیفیت پژوهش‌ها و نتایج آنها تا حد قابل ملاحظه‌ای افت کند. شاید دلیل عمده این امر، اهمیت دادن بیش از حد به کمیت پژوهش‌ها در رقابت شتابزده با کشورهای منطقه در تعداد پژوهش‌های به انجام رسیده، بدون توجه به کیفیت و کاربردی بودن آنها باشد. در واقع به جای آنکه پژوهش به عنوان یک وسیله برای رسیدن به اهداف علمی و رفع مشکلات استفاده قرار گیرد، خود به صورت یک هدف در آمده است. مشکل دیگر، عدم اعتماد سازمان‌ها به تحقیقات دانشگاهی و در نتیجه اعلام نکردن نیازها و مشکلات خود به دانشگاه‌هاست. اگرچه برای رفع این معضل با تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، گام‌های مؤثری برداشته شده است، ولی هنوز یک برنامه منسجم و هدفمند برای ارتباط دائمی و پیوسته بین آنها ایجاد نشده و حرکت‌های انجام شده بیشتر مقطعی و خودجوش است. یکی از دلایل این امر، عدم استقبال دانشگاهیان از انجام پروژه‌های با کیفیت به خاطر وجود بوروکراسی حاکم بر دریافت اطلاعات در محیط صنعت است (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۷).

۸. فقدان نظام ارتباطی و هماهنگ کننده از دیگر نقاط ضعف عمده در نظام پژوهشی که موجب پراکندگی فعالیتها، دوباره کاری، هرز رفتن نیروها و منابع پژوهشی و همچنین تضعیف روند مبتنی ساختن تصمیمات بر نتایج، می‌شود، فقدان نظامی است که بتواند سمت و سوی مناسب تحقیقات را فراهم کند و از تولیدات و تلاشهای پژوهشی موجود به شکلی مناسب بهره‌برداری و پشتیبانی به عمل آورد. نبود سامان در این بخش، باعث می‌شود که سازمانها از عملکرد یکدیگر بی اطلاع باشند، کارهای موازی انجام دهند، تولیدات علمی معطل بمانند و قفسه‌های کتابخانه‌ها و حتی سیستم‌های رایانه‌ای به انباری از اطلاعات غیر فعال تبدیل شوند.

۹. نارسایی نظام اطلاع‌رسانی و مستندسازی محدودیت مراکز اطلاع‌رسانی و

در سال‌های اخیر، تلاش‌های مختلفی برای بهبود وضعیت تحقیقات صورت پذیرفته است، اما دلایلی چون بی‌ثباتی سیاست‌ها، نبود ساز و کار و بستر مناسب برای پژوهش، مشخص نبودن متولی تحقیقات و بالطبع نداشتن برنامه مدون و جامع، موجب شده است تا مسئولان و دست‌اندرکاران، بویژه مدیران میانی در کاربرد نتایج پژوهش‌های انجام شده در تصمیم‌گیری‌های مختلف، تشکیک و تردید کنند.

کم حوصله بودن مدیران در به بار نشستن نتایج تحقیقات (بویژه تحقیقات بنیادی)، نداشتن استراتژی و برنامه مدون توسط مراکز تحقیقاتی برای ارائه مستدل نتایج به مصرف‌کنندگان آن، ضعف نظام اطلاع‌رسانی جهت معرفی توانمندی‌های موجود به مسئولان و دست‌اندرکاران و مهمتر از همه، نداشتن رویکرد مشخص در ایجاد هسته‌های تحقیقاتی در سازمانها از برجسته‌ترین عواملی هستند که نه تنها به بی‌اعتمادی مدیران به پژوهش و یافته‌های پژوهشی کمک می‌کنند، بلکه موجب دلزدگی و سرخوردگی محققان نیز می‌شوند و میل به مهاجرت را در آنان تقویت می‌کنند (هداوند، ۱۳۸۷).

راهکارهای رفع مشکلات پژوهشی کشور

با توجه به گستردگی چالش‌های پژوهشی و دلایل خروج نخبگان از کشور، نمی‌توان برای آن نسخه‌ای کلی پیچید و به همین دلیل با توجه به موضوع مقاله، رهیافت‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. تمرکز بر ایجاد برنامه‌های فرهنگ‌سازی؛
۲. اعتماد به پژوهشگران در طراحی و پیشبرد برنامه‌های کلان اقتصادی و علمی؛
۳. حمایت از فعالیت‌های پژوهشی در بخشهای خصوصی و دولتی؛
۴. تعیین اولویت‌های پژوهشی با مشارکت نهادهای مستقل علمی؛
۵. ایجاد ارتباط ارگانیک بین دو بخش آموزش و پژوهش و ایجاد امکانات لازم برای پژوهشگران در پرداختن به پژوهش و بهره‌مندی از یافته‌های علمی خود در امر آموزش؛
۶. ایجاد تعاملات مناسب بین بخش‌های

عدم اولویت بندی و مرتبط نبودن موضوعات پژوهشی با نیازهای کشور، موجب شده است کیفیت پژوهشها و نتایج آنها تا حد قابل ملاحظه ای افت کند

مؤسسات پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها، عدم دسترسی استادان و پژوهشگران به منابع علمی، محدودیت پهنای باند در دسترسی سریع به شبکه اینترنت، عدم دستیابی به پژوهش‌های انجام شده در سطح ملی و بین‌المللی از مهم‌ترین چالش‌های نظام اطلاع‌رسانی جامعه تحقیقاتی کشور هستند. البته مشکل اصلی این نیست که در عرصه تولید اطلاعات، ضعیف عمل می‌کنیم، بلکه دشواری آنجاست که آنچه در عرصه ملی و فراملی تولید می‌شود، به دلیل ضعف در گردآوری، مستندسازی، سازماندهی، ذخیره‌سازی و اشاعه بهنگام اطلاعات، به طور کامل و مناسب به بازار مصرف نمی‌رسد و این، خود افت کمی و کیفی پژوهش‌ها و عدم قطعیت و تردید در تصمیم‌گیری‌ها را به دنبال خواهد آورد.

۱۰. بی‌اعتمادی به یافته‌های پژوهشی

از آنجا که بخش عمده صنعت کشور وارداتی است و انتقال فناوری از طریق مونتاژ شکل گرفته است، ضرورت ایجاد ساز و کارهایی که منجر به تحقیق و پژوهش شود، هیچگاه احساس نشده است. اگرچه

دولتی و خصوصی بر اساس یک الگوی مکمل مبتنی بر توانایی و تخصص هر یک از بخش‌ها؛

۷. ایجاد مراکز تحقیق و توسعه با امکانات و تجهیزات مناسب و تخصیص بودجه‌های کافی بر این امر؛

۸. امکان دستیابی سریع و مناسب به اطلاعات مربوط به فناوری‌های روز؛

۹. تلاش برای افزایش سهم فعالیت‌های معطوف به تولید دانش و اطلاعات اقتصاد کشور؛

۱۰. توجه به نقش اقتصادی دانشگاه‌ها و پیوند میان سیاست‌های پژوهشی و صنعتی؛

۱۱. افزایش هزینه‌های پژوهشی به منظور حمایت از برنامه‌های دانشی (قانونی راد، ۱۳۸۴)؛

۱۲. تشریک مساعی در بهره برداری از منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛

۱۳. اصلاح نظام پرداخت‌ها براساس توانایی‌ها و تخصص‌های علمی محققان؛

۱۴. سپردن نظارت بر عملکرد مراکز و مؤسسات پژوهشی تخصصی به نهادهای تخصصی مستقل ذی ربط؛

۱۵. تجدید ساختار و مهندسی مجدد شرح وظایف مدیریت و راهبری شورای جذب نخبگان کشور؛

۱۶. تشکیل و تقویت شبکه علمی متخصصان و نخبگان داخل و خارج کشور؛

۱۷. تأسیس مرکز یا واحدی جهت ترجمه و انتقال اندیشه و تجارب نخبگان در داخل و خارج کشور؛

۱۸. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی روش‌های حمایت مالی و قانونی از مؤسسات و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در انجام پژوهش؛

۱۹. ایجاد زمینه برای ارائه دستاوردهای ابتکاری و خلاقانه بخش دولتی و غیر دولتی با حفظ مالکیت معنوی؛

۲۰. کمک به تقویت کارگروه‌های پژوهشی در نظام و ساختار آموزش عالی؛

۲۱. تأسیس شهرک‌هایی برای محققان و تامین نیازهای علمی و تحقیقاتی آنان در این مجموعه؛

۲۲. تجدید نظر در وضعیت آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه‌ها و تخصیص اعتبارات

امکانات و ارزش گذاشتن به تخصص و صلاحیت‌های محققان است که می‌تواند به افزایش تعهد و ماندگاری آنها در کشور منجر شود. □

منابع

1. Strak, Oded (2002), The Economics of Brain Drain Turned of Its Head, University of Vienna and university of Bonna, center for Development Research, paper NO 100.

۲. شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر فرار مغزها، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۳۹.

3. Olsen, Henrik (2002), Migration, Return and Development, Prepared for the Center for Development Research Study, Migration- Development Links.

۴. هداوند، سعید (۱۳۸۳)، موانع موجود در توسعه علمی ایران و مهاجرت نخبگان، مجله تدبیر، شماره ۱۵۴.

۵. وحیدی، پریدخت (۱۳۶۴)، مهاجرت بین الملل و پیامدهای آن، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

۶. نوربخش، ماسوله (۱۳۸۶)، نبرد مردم سالاری زمینه ساز فرار مغزهاست، روز نامه قدس، ۱۶ آذر.

7. Mackey, (1969) Geographical Mobility and the Brain Drain, A Case Study of Aberdeen University Graduates, london: George Allen & unwin.

۸. محسنی، رضا علی (۱۳۸۰)، توسعه و تکنولوژی توسعه: ابعاد جامعه‌شناختی و آسیب‌شناختی تکنولوژی در جوامع در حال توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.

۹. قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۷)، سوگیری هنجاری در علم و تحقیقات دانشگاهی، سمینار دانشگاهی، جامعه و فرهنگ اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۱۰. هداوند، سعید (۱۳۸۷)، حلقه مفقوده، «تأملی بر چالش‌های موجود در همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت»، فصلنامه آموزش مهندسی ایران.

11. Haynes, B, Haines, A (1998) Barriers and Bridge Evidence Based Clinical Practice, British Medical Journal.

۱۲. قانع‌ی راد، محمد امین (۱۳۸۴)، توسعه ناموزون آموزش عالی: بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵.

سعید هداوند: مدیر آموزش شرکت صایران

تغییر مکرر مدیران پژوهشی که موجب حاکمیت سلیقه‌های

متعدد می‌شود،

مانع از آزادی فکری و تثبیت فرهنگ پژوهش محوری می‌شود

و امکانات ویژه به آنان؛

۲۳. ترویج فرهنگ پژوهش و ارتقای روحیه پژوهشگری از طریق حمایت مادی و معنوی؛

۲۴. بسط نهادهای نوین علمی جهت ایجاد تعامل علمی بین اصحاب هر تخصص در جهت تولید، ذخیره و تبادل اطلاعات و اجتماعی کردن دانش تولید شده؛

۲۵. تنظیم اخلاق حرفه‌ای و اصول و قواعد انجام فعالیت‌های علمی در هر یک از رشته‌های تخصصی.

نتیجه‌گیری

پژوهشگران، که عمدتاً از افراد نخبه و برجسته جامعه‌اند، افرادی پرتلاش، حرفه‌ای، علاقه‌مند به یاددهی و یادگیری و تاثیرگذار در تمامی فعالیت‌های پیش‌روی کشور هستند. اصول مدیریت و راهبری این نیروها با سایرین تفاوت اساسی دارد و لزوم شناخت این تفاوت‌ها با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی ایجاد شده در دنیا، نیازی مبرم و حیاتی برای کشور است. فراهم کردن محیطی که باعث تسری توجه به آنها شود، نیازمند فراهم آوردن آمادگی پژوهش در کشور، فراهم آوردن شرایط و